

مروری بر برخی آداب، رسوم و سنن مربوط به «آب» در اقوام لر

دکتر مسعود سپه‌وندی (استادیار گروه زبان و اب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد)

دکتر علی فتح‌اللهی (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد)

چکیده:

بسیاری از سنن، آداب و رسوم جاری در میان اقوام و ملل، در ارتباط با ارزش، تقدس و اهمیت برخی از منابع طبیعی مورد نیاز آن قوم، شکل گرفته‌اند. در این میان «آب» به عنوان مایه‌ی حیات و پدیده‌ی ضروری و اجتناب‌ناپذیر استمرار زندگی، در میان تمامی اقوام و ملل، همواره دارای ارزش و اهمیت بوده است. قوم بزرگ، با فرهنگ و کهن‌گر نیز در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود از ادوار بسیار کهن تا به امروز برای آب، ارزش و منزلتی فوق‌العاده قائل بوده است و در راستای این ارزشگذاری، آداب، سنن و آیین‌هایی را به صورت ناخودآگاه یا به دلخواه، اساس و پی‌ریزی نموده است که با حفظ، احترام و گرمی داشت آن‌ها خصوصاً در قرن اخیر و قرن آینده که بشریت با کمبود شدید منابع طبیعی و بویژه آب، روبرو خواهد شد، می‌توان در راستای توجه دادن بیشتر اذهان به اهمیت فوق‌العاده‌ی آب، در راه ترویج فرهنگ مصرف‌بهینه و صرفه‌جویی مناسب این پدیده‌ی هستی‌آفرین، گام‌های مفید و ارزشمندی را برداشت. این مقاله بر آن است تا با نگاهی گذرا به برخی از آیین‌ها و آداب و رسوم عامیانه‌ی مرتبط با آب، در میان مردم لرستان، ضمن یادآوری مجدد ارزش‌ها و کارکردهای فراوان آب، اهمیت حفظ و حراست بیشتر از این عصاره‌ی بی‌بدیل را در سالیان آینده برای مردمان عزیز این سرزمین همیشه سربلند گوشزد نماید.

کلید واژه‌ها:

آب، آداب و سنن، لرستان، آیین‌های آب

مقدمه:

آب، عنصری حیاتی است که پیش از خلقت انسان نیز وجود داشته است و با آفرینش او بر این عرصه ی خاکی، هیچگاه از وجود این مایه ی ارزشمند، بی نیاز نبوده است و بهتر آن است که بگوییم، بدون آب استمرار حیات برای وی غیر ممکن بوده است. خود و چهار پایانش از آن نوشیده اند، با آن به کشت و زرع پرداخته و حاصل آن را خورده است به وسیله ی آن استحمام نموده و خویش را تطهیر کرده است و بطور کلی با آن به عنوان مونس و همدمی مهربان و گرانبدر زندگی کرده است. بنابراین نقش آب در حیات آدمی غیر قابل انکار است. جایگاه و حضور دائمی این عنصر بی بدیل در طول تاریخ، آن را برای انسان به مایه ای ارزشمند و فوق العاده تبدیل کرده است، تا جایی که در برهه هایی از تاریخ به پرستش آن روی آورده و آن را مقدس و پاک و آسمانی و روحانی و هدیه ای از جانب خداوندگار دانسته است، این طرز تلقی انسان اولیه از آب، کم کم به صورت رمز و کنایه در قالب ضرب المثل ها، داستانها و روایات، در فرهنگ دینی و عرفانی او رسوخ کرده و موجب شده است تا عارفانه ترین تالیلات را درباره ی آب، داشته باشد و همواره آب، برای او رمز هر چیز مقدس، پاک و آسمانی باشد.

وقتی گفته می شود: آب الفبای آبادانی است، معنای دیگرش آن است که، آبادانی تنها در حضور آب، معنا می یابد و در غیاب آن، حاصلی جز خشکی، ویرانی و کم رونقی کشت و کار به دست نخواهد آمد. با این حساب وقتی که آب، سرچشمه ی زندگی و الفبای آبادانی باشد، بی تردید، رابطه یی مستقیم با فرهنگ خواهد داشت، بویژه که برای بهره برداری هر چه مناسب تر از این عنصر حیاتبخش به راه کارهای فرهنگی و فرهنگ سازی نیاز خواهیم داشت، و بدون پشتوانه ی اعتقادات و باورهایی که ریشه در باورهای دینی، عرفانی و فرهنگی ما دارند هرگز هیچ برنامه ای به بهره وری منجر نخواهد شد. با نگاهی به آثار ادبی و هنری و عرفانی که تجلی گاه تفکرات قومی و بومی و باورهای فرهنگی یک ملت است، به خوبی می توان به عمق این ارتباط دوسویه ی موجود بین فرهنگ و آب، پی برد.

ارزش این عنصر ارزشمند در روزگار ما بر هیچ کس پوشیده نیست و ناگفته پیداست که با کم شدن تدریجی ذخایر آب بر روی زمین، ارزش آن نزد عموم مردم دنیا رو به فزونی و گسترش است، تا آنجا که امروز شاهد آنیم که در بسیاری از نقاط جهان برای تصرف منابع آبی، جنگ و جدالهای خونین و مرگباری صورت می گیرد و دانشمندان، قرن بیست و یکم را قرن نزاع بشر بر سر ذخایر و منابع آبی می دانند. همانگونه که در قرن بیستم، بشر برای تصاحب میدانهای نفت تلاش می کرد، در قرن بیست و یکم نیز بر سر ذخایر آب، جدال خواهد کرد و قطعاً ارزش آب، برای انسان ارزشی فراتر از نفت و سایر محصولات طبیعی خواهد داشت. در حال حاضر با توجه به کمبود شدید منابع آب در دنیا، جامعه ی بین المللی به این نتیجه رسیده است که باید مردم جهان در این زمینه فعالیت های فرهنگی زیادی را در معرفی ارزش و اعتبار آن انجام دهند، لذا از ده سال پیش، سازمان ملل متحد، روز بیست و دوم مارس، مصادف با دوم فروردین را به نام روز جهانی آب، معرفی

کرده است تا بدین وسیله افکار عمومی، اعم از تصمیم گیران، تصمیم سازان و مردم را به این مقوله ی مهم جلب نماید. با توجه به شرایط جغرافیایی و محیطی کشور عزیزمان ایران که در منطقه ای تقریباً خشک و نیمه خشک قرار گرفته است و با توجه به اینکه در صده ی پانزده هجری (قرن بیست و یکم میلادی) با کم شدن منابع آب در تمام دنیا و خصوصاً نقاط خشک و نیمه خشک جهان، امکان بروز و ظهور بحران کمبود آب، کشور را در معرض آسیب ها و چالش های عمده ای قرار خواهد داد، ضرورت تدوین برنامه های راهبردی علمی، عملی و فرهنگی جهت آگاهی بخشی به عموم مردم در راستای استفاده ی صحیح و بهینه از این عنصر خدادای تجدید ناپذیر، اجتناب ناپذیر می نماید.

لذا در همین راستا در تحقیق حاضر سعی شده است، موضوع اهمیت، ارزش و کارکرد آب در فرهنگ، آداب، رسوم و سنن مردمان لرستان مورد تحلیل قرار گیرد و دلایل عمده ی اهمیت روزافزون این ماده ی سیال برای اقوام این ناحیه از سرزمینمان مورد تفسیر واقع شود، تا بیش از پیش به ارزش فوق العاده ی آن پی برده و این برکت الهی را بی دلیل خوار نشمرده و مورد اسراف و تبذیر قرار ندهیم و سعی و تلاش شود تا از ذخایر محدود آبی، به بهترین شکل ممکن نگهداری و محافظت شود.

انگیزه ی ایجاد و خلق ایزدان آب توسط بشر کهن:

نیازمندی بشر نخستین به آب و رفع مشکلات معیشتی او توسط آب و باران، زمینه ی به وجود آمدن خدایان و ایزد بانوهای آب و باران، در ادوار و ازمنه ی مختلف شده است. نه تنها انسان، بلکه عالم هستی برای ادامه ی حیات خود، نیازمند به ارزشمندترین پدیده و مخلوق خداوند، یعنی آب است، این جایگاه، ارزش و کارکرد فوق العاده، آب را در ذهن و اندیشه ی تمامی اقوام بشر، ماده ای بی نظیر و بی بدیل، قرار داده است، تا جایی که گاه، تا مرتبه ی خدایی ارتقاء یافته و در بیشتر ملل قدیم به عنوان یک ایزد بانو، مورد پرستش و ستایش واقع شده است. نقش و کارکرد آب در بین مردمانی که در حوزه ی کشاورزی و دامداری فعالیت کرده اند شاید بسی برجسته تر و با اهمیت تر از نقش و کارکرد آن در بین سایر ملل شاغل در حوزه های دیگر باشد. اهمیت کشاورزی و دامداری، باعث شده است که مردمان وابسته به این دو حوزه، همواره الهه هایی منسوب به آب را پدید آورده و از آنها طلب بارش باران و ازدیاد رزق و روزی نمایند، یکی از این الهه ها (ایزد بانوها) ی مُرکب، که منسوب به حوزه ی کشاورزی و دامداری و به ویژه «آب» است، ایزد بانویی است تحت عنوان «گاماسب» که در روزگاران کهن، مورد پرستش مردمان غرب کشور، خصوصاً مردمانی که در حوزه ی کنونی سرزمین لرستان می زیسته اند، قرار گرفته است.

گاماس، الهه ی آب و کشاورزی :

واژه ی «گاماسب» امروزه بصورت تحریف شده با عنوان «گاو میش» یا «گاو میشان» = «گامیش آو» (گاو میش آب) نیز کاربرد دارد، چنانکه در ناحیه ی لرستان کنونی و استانهای هم جوار آن، مناطق یا رودها و پل هایی را تحت عنوان گاو میشان می شناسیم، البته ساخت اصلی این واژه یعنی «گاماسب» همچنان پس از سده های متمادی رایج است و امروزه نام سرچشمه ی اصلی رود سیمره که از کوه الوند در همدان سرچشمه می گیرد «گاماسیاب» نام دارد و نام چشمه ی دیگری که در نزدیکی نهاوند از رشته کوههای «گرین» که مشترک بین استانهای همدان و لرستان است، سرچشمه می گیرد با همین نام (گاماسیاب) شهرت دارد، در لغت نامه ی دهخدا، ذیل واژه ی گاماسب آمده است: «... این رود در تاریخ قدیم با اسم اوکنی (oukni) معروف بود و گاماسب (گاو ماسا رود) نیز به معنی گاو میش آب، یعنی رود بزرگ می باشد...» (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه ی «گاماسب»). آقای اردشیر سگوند، «گاماسب» را به عنوان یک خدای مرکب در حوزه ی کشاورزی در میان مردمان ایران باستان، به ویژه مردمان ساکن در حوزه ی غربی فلات ایران، می داند، ایشان این الهه ی معروف ایرانی را با الهه ی حوزه ی بین النهرین یعنی «انکیدوم» نزدیک دانسته و گاهی آن را دقیقاً معادل «گاماس» ایرانی معرفی می کند، (سگوند، 1380، 73).

«گاماسب» از دو بخش «گا» (گاو) و «ماس» (ماهی) ساخته شده است، بنابراین گاماس یعنی: «گاو ماهی». ریشه ی پیدایی این نام و نیز اطلاق آن بر رودخانه ی (گاماسب) تصویر یک خدای مرکب اساطیری است که در دامنه ی کوه «الوند» در استان همدان موجود بوده است. تصویر گاو و تصویر ماهی. (همان، 72). راولینسون، در این باره می نویسد: «واژه ی گاماس نیز از دو کلمه ی گا (گاو) و ماس (ماهی) ترکیب شده و منشا آن نیز از تصویر یک گاو (گا) با یک ماهی (ماس) است که بر کوه چهل نابالغان [از شعبات کوه گرین] واقع در سرچشمه ی اصلی کرخه (یعنی چشمه کاظم) کنده شده است. (راولینسون، 1362، 68-67).

در مقاله ی گاماسب در ایران باستان، با استناد به کتاب «معجم البلدان» یاقوت حموی آمده است: «در معجم البلدان» آمده است که این نقوش بر کوهی در نزدیکی نهاوند کنده شده اند ولی من نتوانستم آثاری از آنها را پیدا کنم. با این حال افسانه ی مربوط به این تصویر هنوز شایع است. جالب این است که در ایران سکه هایی یافت می شود که تصویر گاو و ماهی بر آنها نقش شده است» (سگوند، 1380، 72). نویسندگان در جایی دیگر می افزاید: «... اهمیت کشاورزی و دامداری، مجموعه ای از خدایان را در یک معبد (pantheon) دور هم گرد آورده و کارآیی هر کدام را به همکاری خدایان دیگر وابسته کرده است، با این همه از بین این گروه خدایان، ترکیب دو خدا با یکدیگر، خدای واحدی را پدید آورده که ما آن را به عنوان خدای کشاورزی به نام «گاماس» (گاو ماهی) می شناسیم که در اوستا با نام «گاگره، گئو کره» از آن یاد شده است». (همان، 73).

به نظر می‌رسد که اسطوره ی «گاماس» دارای ریشه ی ایرانی به مفهوم خاص نباشد، بلکه از برخی فرهنگهای دیگر ناحیه ی غرب ایران بویژه تمدنهای بین النهرین متأثر باشد در افسانه های سومری، ما با برخی از خدایان دست اندرکار کشاورزی برخورد می‌کنیم، از جمله «انکیدوم» که دقیقاً معادل «گاماس» ایرانی است. «انکیدوم» نیز مانند «گاماس» از دو کلمه «انکی» و «دوم» (دو موزی) تشکیل شده است. «انکی» (Enki) یا «اعا» بابلی، خدای آبهای زیرزمینی است که در «اپسو» (apsu) یعنی عمق آبهای شیرین ساکن است و ماهی نمود مادی و زمینی آن است و «دو موزی» (تموز) که دارای دو نقش است، بدین گونه که هم خدای زمین است و هم خدای گیاه، احتمالاً نقش سومی نیز داشته است که نسبت به نقش های یاد شده در درجات بعدی قرار می‌گیرد، و آن اینکه «دو موزی» نماینده ی دام و چارپایان است. این خدا به صورت «گاو» (معمولاً گاو نر) تجسم شده است.

به هر روی نکته ی مهم این است که اسطوره ی «گاماس» پس از راه یابی به فرهنگ ایرانی ضمن پذیرش دگرگونی های جزئی، جایگاه ویژه ی خود را در این فرهنگ حفظ کرده و رنگ ایرانی به خود گرفته است. از دگرگونی های این اسطوره در فرهنگ ایرانی به این موارد می‌توان اشاره کرد:

الف - متحد الشکل کردن تجسم مادی دو خدای آب و باران یعنی «ماس، ماهی» و تیشتر (انکی و ایشتار) بدین گونه که تصویر ماهی به تدریج یا کنار گذاشته شده یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است و تصویر دختر (زن) که تجسمی از ایشتار (تیشتر خدای آب که در اوستا یک «یشت» به ستایش آن اختصاص دارد) است، جای آن را گرفته است. همین دگرگونی باعث پیدایش «آناهیتا» ایزدانوی آبهای سطحی و زیرزمینی در فرهنگ ایرانی و تجسم آن به صورت دختر شده است. در صورتی که تصویر دختر تجسمی از «تیر، تیشتر» (ایشتار) خدای باران است. از این روست که در آثار به جا مانده از ایران باستان (دوره های مختلف از ماد تا ساسانی) به و یژه در تمدن های مربوط به ناحیه ی لرستان، تصویر و نام دختر به عنوان تجسم آناهیتا فراوان است اما تصویر «ماس» (ماهی) یا دیده نمی‌شود یا بسیار اندک است.

ب - جایگزین شدن جاندار اساطیری دیگری با نام «کره» (خر) به جای «ماس، ماهی» با حفظ وظیفه و مسوولیت آن یعنی نگهبانی آب. همین جایگزینی و تغییر باعث شده تا در اوستا نام خدای مرکب کشاورزی از «گاماس» (گاو ماهی) به «گا کره، گئو کره» «گاو خر» تغییر یابد. (سگوند، 1380، 74).

اهمیت کشاورزی و دامداری و نقش آنها در رکود یا شکوفایی اقتصاد جوامع باستانی، بی گمان آب و گیاه را به صورت دو عنصر اساسی و درجه اول درآورده است. از این روی توجه خاصی به دو پدیده ی یاد شده و اهمیت آنها، نیایش و جلب حمایت خدایان نگاهبانان را الزام می‌کرده است. چنین نیایشی که شامل جشن شادی، آیین سوگواری، قربانی خونین، مراسم نذر و پیشکش هدیه به خدایان و آیین های جزئی دیگری می‌شده، البته بی نیاز از پرستشگاه، نبوده است.

قراین و آثار پاره ای معابد باستانی، نشان می دهند که پرستشگاه های ویژه ی خدای کشاورزی غالباً در سرچشمه یا نزدیک رودها و یا در کنار چشمه های پرآب ساخته می شده اند. نیز در کنار چشمه های کوچکتر که با معابد بزرگ فاصله ی بسیار داشته اند، آیین نیایش خدای کشاورزی در فضای باز صورت می گرفته است. کهن ترین و مهمترین پرستشگاه گاماسب خدای مرکب کشاورزی که تاکنون آثار آن کشف گردیده، به احتمال زیاد پرستشگاه «سرخ دم» واقع در کوهدشت لرستان است.....(همان، 74).

گفتنی است در بین اشیاء برنزی لرستان، ابزارهایی دیده می شود که به شکل ماهی ساخته شده و در انتهای آنها دو مجسمه ی کوچک وجود دارد، یک مجسمه از «تیشتر» (تیر)، ایزدبانوی باران و دیگری مجسمه ای از سر و گردن خر، که یک شاخ بر سر آن دیده می شود. این ابزارها احتمالاً وسیله ای برای شخم زدن زمین بوده اند به همین دلیل بازتاب تجسم ایزدان کشاورزی در آنها دیده می شود، به هر روی آثار پرستشگاه های مهم «گاماس» را در مناطق غرب ایران باید جستجو کرد. مناطقی چون کردستان، کرمانشاه، همدان، لرستان و ایلام.

آثار پرستش مجموعه ی خدایان اسطوره ی «گاماس» به ویژه دو خدای آب و باران (ماهی و تیر) به دوره ی اسلامی نیز رسیده و به عنوان بخشی از فرهنگ کهن ایرانی تا روزگار ما همچنان زنده مانده است.

قراین نشان می دهند که در روزگار باستان، هنگام برپایی آیین نیایش دو خدای آب و باران (ماهی و تیر) در کنار رودها و چشمه ها، قربانی خونین نیز به این دو خدا پیشکش می شده است. آرتور کریستین سن در کتاب «کیانیان» می گوید: «... در ساحل «چئچست» که در عهد ما «اورمیه» نامیده می شود و در آذربایجان واقع است، «هئوسروه» به «اردویسور آناهیتا قربانی هایی نثار کرده» (کریستن سن، 1368، 27). یادگار آیین قربانی خونین تا روزگار ما در غرب ایران یعنی حوزه ی جغرافیایی پرستش «گاماس»، همچنان زنده مانده است. برای نمونه: «در قلعه نصیر لرستان، برخی از چشمه ها که از کوهپایه ی سنگی یا از زیر صخره ها می جوشند، گاه در تابستان خشک می شوند. برای اینکه از چشمه ها دوباره آب بجوشد، گوسفند یا گاو در پای آنها قربانی می کنند. برای چشمه ی «مادت» (ماه دختر) یا «ماهی دت» یعنی ماهی دختر که متشکل از دو خدای ماهی، خدای آب و دختر (تیشتر، تیر، ایشتر) خدای باران. واقع در «کش ماهور» بین کوهدشت و شاه محمد و چشمه ی «گرماوه» گرم آب - بین رودهای «گی زور» و «قروه سو» (شاید قروه سو؟! قربانی می دهند.) (اسدیان خرم آبادی و دیگران، 1358، 140).

یکی دیگر از آیین های کهن به یادگار مانده از پرستش گاماس، آیین «گاوربایی» است که تا چند دهه ی پیش برای طلب باران در پاره ای از روستاهای لرستان اجرا می شد. این آیین، یادآور عملکرد نمادین «ایشتر و دو موزی» (تیر و گاو) بارش باران و رویش گیاه است. «گا روا - گاوربایی - وقتی باران مدتی طولانی نبارد و بیم از بین رفتن زراعت باشد، چند زن از یک روستا «سربندها» را به کمر می بندند و به صحرا می روند که گاوهای ده دیگر را از چرا بگیرند و به خانه بیاورند، اما زنان ده دیگر که از ماجرا

باخبرند در حالی که چوبدست هایی در دست دارند، برای جلوگیری از آنان به صحرا می روند و دعوایی غیر جدی بین دو گروه در می گیرد. گاه در این دعوا برخی زخمی نیز می شوند. سرانجام کسی ضامن می شود و بدین شرط گاوها را به صاحبشان برمی گردانند که باران ببارد» (سگوند، 1380، 75 - 72، و نیز رک: اسدیان خرم آبادی و دیگران، 1358، 146).

جالب آن است که در مهریشت نیز آمده است: «مهر را می ستاییم (کسی) که دارای دشتهای پهنی است ... کسی که آبها را زیاد می کند، استغاثه را بشنود، باران را بباراند، گیاهان برویاند» (پوردادوود، 1356، 1 : 455). و هم اوست که هنگامی که گاوان را به غنیمت برند، آنها را نجات می دهد. (همان، 476 و 455).

آقای سگوند، در شرح آیین گاوریایی در فرهنگ لرستان که ریشه در فرهنگ چند هزار ساله ایران دارد، می گوید: «روشن است که در آیین یاد شده (گاوریایی)، زنان مهاجم نماد دیوهای هستند که در شکل کهن و سومری اسطوره، قصد ربودن «دو موزی» (گاو) خدای گیاه را دارند و نیز نماد ایشتار (تیر) خدای باران است.

حمایت «تیر» خدای باران از «گاو» خدای گیاه و زمین از این روست که وی همسر اوست و این پیوند زناشویی بین این دو ایزد، نماد ترکیب آب و خاک و در نتیجه رویش گیاه است» (سگوند، 1380، 75). ظاهراً آیین نیایش تیر و جلب حمایت این الهه، که توسط مردمان باستان، برای نزول باران و ازدیاد آب صورت می گرفته است در میان ساکنان غرب کشور و به ویژه ناحیه ی لرستان کنونی نمادی از احترام و بزرگداشت آب بوده است.

«در روزگار باستان در آغاز تابستان که پایان فصل باران و آغاز خشکیدن گیاهان است دو آیین دینی برپا می شد.

الف - آیین نیایش «تیر» و جلب حمایت او به منظور زیاد کردن آب چشمه ها و جلوگیری از خشکیدن آنها.

ب - برپایی آیین سوگواری در مرگ «دو موزی» (گاو) که نماد مرگ گیاهان در تابستان است. از این رو دو ماه از فصل تابستان به نام دو خدای آب و گیاه «تیر» و «مرداد» خوانده شده اند. در گاه شماری محلی و سنتی لرستان و ایلام که از مراکز عمده ی پرستش گاماس بود اند، نام ماههای «تیر» و «مرداد» هنوز به شکل کهن که یاد آور پرستش «ایشتار» و «دوموزی» هستند به کار می رود. بدین گونه که مرداد را «گا کره» یا «گاکوره» می گویند، که بی گمان همان «گئو کره» اوستاست (ماه مرداد یا «امرداته»: آفریده ی بی مرگ). از آنجا که در گویش لری «کوره» (Kurra) به معنی صدای گاو است، این نام را به نادرست «صدای گاو» معنی کرده اند و چنین توجیه شده است «گا کوره» یعنی بخشی از تابستان که به خاطر گرمای زیاد، گاو را

به بانگ کردن وا می دارد. در حالی که چنین نیست و «گا کره، گاکوره» همان نام «گئوکره» ی ایران باستان است.

تیر ماه را نیز «کله گاو سوار» (Kalagawsowar) می نامند. یعنی: «آن که بر گاو نر سوار است». کله گاو: گاو نر. و این توصیفی است از «تیر» (ایشتار) خدای باران که برای نجات «گاو» خدای گیاه و زمین از مرگ و فرار از جهان زیرین (جهان مرگ) سوار بر پشت آن تجسم شده است. این توصیف، یعنی: «آن که بر گاو نر سوار است» درست توصیف تصویری است که در معبد «سلینوس» در سیسیل ایتالیا به یادگار مانده است: زنی سوار بر گاو در حال فرار، که دو جفت ماهی نیز او را همراهی می کنند و این بهترین تصویری است که «گاماس» را نشان می دهد» (همان، 57).

یکی دیگر از پژوهشگران، درباره احترام نهادن مردم لرستان به آب، چشمه و... که ریشه در باورهای کهن ایرانی دارد، می گوید: «در لرستان که طبیعت و عناصر آن به نحو چشمگیری محترم اند، چشمه ها محترم ترند. برخی از چشمه ها به پریان نسبت داده می شوند، مانند چشمه ی تنگ هفت در روستای لون، چشمه ی جان، در روستای سیسیل کیا و چشمه ی تیر بازار در روستایی به همین نام و سراب نیزه که چشمه ای با جای نیزه ی حضرت امیر(ع) و سراب گل رود که می گویند بر اثر برخورد پای دلدل به کوه به وجود آمده است» (قرشی، 1380، 231-230).

مردمان سرزمین کوه های سر به فلک کشیده ی لرستان، با آن که از دیر باز در سرزمینی نسبتاً پر آب و مملو از رود خانه های خروشان و چشمه های جوشان زندگی می کرده اند ولیکن همواره نسبت به آب احترام و ارزش فراوانی را قائل بوده اند و نقش آب را در جای جای و گوشه به گوشه ی زندگی آن ها از جشن و سرور و شادی گرفته تا ماتم و سوگ و عزا می توان مشاهده کرد.

در دیار لرستان، آب ا نماد روشنایی و پاکی و رفع قضا و بلا است. هنگامی که کسی به مسافرت می رود پشت سرش آب می ریزند. زیرا معتقدند اگر آب پشت سر مسافر ریخته شود همیشه خیر و برکت برایش پیش می آید.¹ بلا ومصیبت با آب به زمین ریخته می شود. مردم لرستان باور دارند که آب، پاکی و روشنی است و کسی که در پی او آب می ریزند، هر جا که قدم گذارد نور و روشنایی به استقبالش می آید.

بیشتر مردم لرستان اگر شب خواب بدی ببینند به کنار چشمه، رودخانه یا حتی شیرآب رفته آنچه که در عالم رؤیا به خواب دیده اند به اصطلاح به روی آب می گویند زیرا براین باورند که آب درد و بلا، بدی و قضا و قدر سوء آن خواب بد را با خود می برد.

مردم این خطه از سرزمین پهناور ایران، روز سیزده به در، سبزه ی عید خود را به آب می اندازند و دعا می کنند: خدایا درد و بلا و سختی خانواده ی ما را آب به همراه این سبزه با خود ببرد و از ما دور کند.

در عوض، برخی عقیده دارند چون آب باعث سرسبزی و طراوت سبزه می شود، اگر سبزه را در آب اندازند آن سال، سالی پر از طراوت و شادایی برای آنها است.²

همان طور که گفتیم در زندگی مردم لرستان، آب، هم در مراسم عروسی نقش دارد، هم در مراسم چمر **chamar** (عزا) در زمان سور و شادی، آب نمادی از روشنی و زلالی و بهره مندی از ثروت و فرزند است و به هنگام عزا نشانه ای از شادی و دورریختن عزا و ماتم و از سرگرفتن زندگی روزمره. (شاکرمی، 14، 1385). در ذیل به این دو نقش و کارکرد عمده و نیز دیگر کارکردهای آب در باورها و اعتقادات مردم لرستان که همگی ریشه در امر ارزشگذاری و قداست و احترام به آب است، اشاره می شود:

الف) نقش آب در آیین های مربوط به شادی و ازدواج در لرستان:

در روستای عبدالحسینی دلفان هنگام عروسی کاسه ای آب، یک آئینه، سبزه، سیب، کله ای قند، مшти گندم و یک مشت جو را روی کرسی یا چهار پایه ای نهاده، داماد دست عروس را می گیرد و سه بار دور کرسی می چرخاند. اطرافیان با هلله و شادی برای آنها دست افشانی می کنند.

یاهنگامی که عروس را به خانه ی بخت می فرستند کاسه ای آب به همراه یک آئینه روی سینی گذاشته پیشاپیش و در مقابل عروس می برند.

در اینجا آب نماد روشنی است به این امید که این زوج جوان، چون آب روشن و زلال باشند و چهره شان چون آئینه نورانی. چون سبزه سرسبز و با طراوت، چون سیب قرمز، شاداب، خوشبو و دوست داشتنی و مانند قند با هم شیرین و شیرین کام باشند.

در مناطق خرم آباد، کوهدشت، پلدختر، معمولان، الشتر، و نورآباد وقتی که دختری عروسی می کند، در روز سوم یا هفتم، او را به کنار چشمه برده و یک مشک آب را هفت بار پر از آب کرده دوباره می ریزد به این نیت که درد و بلای او و خانواده اش با این آب به زمین ریخته شود. همچنین به این نیت که هفت پسر سالم و تندرست به دنیا آورد. مادر یا خواهر داماد در این موقع هفت مشت گندم کلیا (پخته) یا گندم برشته رابه آب داده و دعا می کند که ذریه ی این عروس به شماره ی دانه های گندم باشد.

در روستای «دار ماهی» [طی مراسم عروسی] هفت مشت برنج یا گندم برشته در آب می ریزند. آن ها باور دارند که چون ماهیان و دیگر موجودات آبی از این گندم برشته تغذیه می کنند رزق و روزی این زوج جوان نیز ازدیاد می یابد.

زاگرس نشینان این دیار، آب را مظهر روشنایی و پاکی خداوند دانسته آنرا بر طرف کننده ی کابوس و خواب وحشتناک می دانند. از این رو وقتی که بچه ای می خوابد یک کاسه آب در مقابلش قرار می دهند و می گویند: وقتی آب نزد بچه باشد جن و پری به او نزدیک نمی شود.

مردم [لرستان] آب را جهانگرد می دانند. [و] معتقدند اگر هنگام زایمان جفت زائو را در آب اندازند نوزادی که به دنیا می آید جهانگرد و با تجربه می شود. و در مقابل خاک را ماندگار در یک جا می دانند.

اگر بخواهند نوزادی که به دنیا آمده است در همان دیار ماندگار و ساکن شود جفت او را در خاک، چال می کنند.

در روستای عبدالحسینی، زایش آب زلال را از چشمه، مظهر لطف خدا می دانند در مقابل اگر آب گل آلود از چشمه زایش کند آن را نشانه ی غضب خدا می دانند و معتقدند در این مکان ظلم و جور صورت گرفته است.

ساکنان منطقه ی چگنی، و عشایر علم آباد الشتر، آو شومن و آو شوی (آب شب مانده) نمی خورند. زیرا بر این باورند که اگر کسی از آب شب مانده بخورد زبانش بند می آید و اگر از آن آب به بچه دهند، بچه لکنت زبان می گیرد. وقتی که دلیل آن پرسیده شد در جواب اظهار داشتند چون جن و پری در تاریکی به هر چیزی سر می زنند قطعا به ظرف آب هم سر می زنند و باعث این بلا می شوند.

برخی از عشایر علم آباد، معتقدند که آب، نظر کرده ی خداست و نباید آب چشمه را لوله کشی کرد؛ زیرا اگر آب چشمه را لوله کشی کنند آب چشمه خشک می شود.

در لرستان، آب را نشانه ی نزولات جوئی، سرسبزی طبیعت و فراوانی محصول و خیر و برکت زراعت می دانند. چرا که معتقدند، شصت زمستان [شصتیمین روز از زمستان] اگر دایا (پیرزن) چمت (چوب نیم سوخته) خود را در آب اندازد آن سال، سالی پر باران است و اگر «چمت» خود را در خشکی اندازد آن سال، سالی کم بارش است.

خشکی و پربارانی سال را از شصت زمستان می فهمند. زیرا اگر در آن شب باران ببارد می گویند: «چمت دایا» در آب افتاده است و اگر باران نبارد می گویند: «چمت دایا» در خشکی افتاده است. دایا در هفتادمین شب زمستان «چمت» را به دست گرفته دور سرش می چرخاند، هوا بسیار سرد می شود. بعد سر «چمت» را در زمین فرو می کند، به این خاطر آب چشمه ها و رودخانه ها گرم می شود. اما هوای بیرون بسیار سرد می شود. آب در تولد نوزاد بر طرف کننده ی بدی، بلا، ضعیفی و مرگ نوزاد و مانعی برای نجسی، عقیمی و نازایی مادر است.

در باور اکثر مردم لرستان اگر مادر، بعد از ده روز از تولد نوزاد، آب تنی (غسل) نکند از تیرسقف تا فرش آن خانه نجس است. در روز چهلم، تشتی را از آب پر کرده، جام چهل کلید حضرت فاطمه زهرا (س) یا پوسته ی تخم مرغی را که محتوای آن را خالی کرده اند، از آب تشت، پر کرده در ظرفی دیگری ریزند سپس با آن آب، نوزاد را شستشو می دهند به این امید و به این نیت که چله ی آدم و آدمیزاد، پری و پریزاد از آن نوزاد بریده شود.³

همچنین پوسته ی تخم مرغی را سوراخ کرده و محتویات آن را خالی می کنند، پس چهل بار این پوسته ی خالی را از آب پر کرده و آب آن را در تشتی ریخته، مادر، در چهلمین روز زایمان، آب آن تشت را

بر سر خود می ریزد و در حین ریختن آب، بر سر و روی خود می گوید: چله سر زمین، بالای زمین به حکم سلیمان، پیغمبر خدا از من بریده شود.

[در لرستان] زمانی که نوزادی به دنیا می آید و هنوز چله ی او نرسیده است، اگر در این فاصله در آن روستا، بچه ی دیگری متولد شود یا اینکه کسی از دنیا برود به خاطر آنکه نوزاد آنها چله گیر نشود، کسی نزد ملای ده رفته دعای «چله بُر» برای مادر و نوزادش می نویسد؛ آنگاه نوزاد را حمام می کنند، در پایان دعای «چله بُر» را در کاسه ی آب زده دعا می کنند: خدایا چله ی این نوزاد تازه متولد شده یا آن شخص متوفی، بچه ی ما را نگیرد و چله ی آنها از این خانه به در شود. و در پایان آب آن کاسه را با ذکر صلوات بر روی سر و شانه های نوزاد می ریزند.

آنها بر این عقیده اند که اگر این کار را نکنند چله ی مرده، بچه و مادرش را می گیرد یعنی بچه ضعیف ولاغر و به اصطلاح «من گیر» می شود و ممکن است بمیرد یا اینکه مادرش عقیم و نازا شود و دیگر بچه ای به دنیا نیاورد.

در پایان چهلمین روز، دعای چله بُر را در آب رودخانه می اندازند یا در زیر یک سنگ پنهان می کنند. (همان، 14).

ب) نقش آب در آیین های مربوط به مرگ و عزاداری در لرستان:

مردم لرستان نیز مانند دیگر مردم ایران، از آب برای تطهیر و تغسیل درگذشتگان استفاده می نمایند. اما کارکرد آب در مراسم تدفین و درگذشت اموات، منحصر به تغسیل نیست بلکه آب، گاهی نشانه و نمادی برای از سرگیری زندگی روزمره و گاهی از بین برنده ی اثر و خاطره ی افرادِ درگذشته است. در میان مردم ناحیه ی دلفان که از اصیل ترین و قدیمی ترین مردم ناحیه ی شمال غرب لرستان به حساب می آیند، «آو اِ دَم کِردن» (آب در دهان کردن) نه به معنای «آب در دهان صاحبان عزا ریختن، بلکه به معنای دعوت از صاحبان عزا و تکریم و اطعام آن ها است. چرا که صاحبان عزا در چند روز نخست درگذشت عزیزانشان، به دلیل تألم روحی و روانی میل و توان چندانی برای صرف غذا ندارند. اما آن گاه که بستگان و همسایگان، عزاداران را به منازل خویش دعوت کرده و ایشان را اطعام و اعزاز می نمایند، صاحبان عزا نیز از نظر روانی تا حدودی روحیه ی از دست رفته ی خود را باز یافته و به زندگی روزمره ی خود باز می گردند.

از دیگر مراسم جالب مردمان این منطقه در ارتباط با آب و مراسم سوگ، رسم «آو اِگول کِردن» (آب به کول (پشت و سر) ریختن) است. در این آیین نیز آب، نشانه ای برای برطرف کردن عزا و ماتم از جسم و چهره ی صاحبان عزا است. از این رو آب به شکلی سمبلیک و نمادین، برطرف کننده ی نشانه و خاطره ی عزیزان درگذشته است.

در ضرب المثلی دیگر، آب، معنی جابه جایی، کوچ و از جایی راندن را می دهد.
Aow de lez kerdn « آو د لیز کردن» آب در جا و زیر پای کسی کردن، به معنی اینکه او را از جای سکونت خود راندن.

در جایی دیگر، آب کشیدن، به مفهوم زحمت کشیدن و کار زیاد کردن است. «و خَر گُتن صو عروسیه. گُت: عروسی با یا عزا مه آو می کشم.»⁵

(Ve xar goten so arosia.got:arosi ba ya aza me aow mekasem.)

«به خر گفتند: فردا عروسی است. جواب داد: عروسی باشد یا عزا من همیشه زحمت می کشم.» در فرهنگ مردم این دیار، آب نخواستہ [نطلبیده] برآورنده ی مراد و آرزوی شخص است. ریرا معتقدند وقتی که کسی آب را به شخصی که تشنه نیست تعارف می کند آن شخص باید لیوان آب را از دست او بگیرد و بنوشد و در جواب می گویند آب نخواستہ مراد است.
در ضرب المثل زیر [نیز] آب نمادی از سود و منفعت است:

آوی مه ره و روخونه خیشی بورش نه بیگنه

(Aowe mera ve rouzona xese boras na begona)

«آبی که به رودخانه می رود خویش [قوم و فامیل] از آن استفاده کند نه بیگانه.»

د) نقش آب در طب سنتی لرستان:

در نورآباد دلفان چشمه های آب گرمی وجود دارد که مردم معتقدند آب این چشمه ها درمان [بخش] بیماری های روماتیسم، سر درد و کمر درد است. هر کس که روماتیسم شدید یا استخوان درد دارد در این چشمه ها آب تنی می کند به این امید که در درمان و بهبود درد او مؤثر باشد.
در برخی از مناطق بخش معمولان، چشمه هایی وجود دارد که اصطلاحاً به آنها «گری ساو» گویند. مردم معتقدند، آب گری ساو، برای درمان امراض پوستی، بویژه خارش مؤثر است.

ه) جان ستانی آب

از آنجایی که تا چند سال اخیر «دره شهر» [در استان ایلام] و مناطق تابعه از نظر تقسیمات سیاسی جز لرستان به حساب می آمد، بد نیست بدانید که مردم دره شهر، از نظر آداب و رسوم و باورهای فرهنگی با ساکنان لرستان قرابت و نزدیکی فراوانی داشته و دارند. از این جهت هر پژوهشگری که در مورد آداب، رسوم، فرهنگ، باور و... مردم لرستان تحقیق کند به ناچار باید سری به «دره شهر» و روستاهای آن بزند. در اینجا به ذکر یکی دو مورد از باورها و اعتقادات مردم دره شهر، در مورد رودخانه ی معروف این خطه به نام «سیمره» می پردازیم:

(Daro daro daronake jo o ganem arzonake)

پسران از خانه ی مردم اهالی حبوباتی چون: نخود،لوبیا،عدس و... جمع آوری می کنند و با آن حبوبات آشی می پزند و به نیت بارش باران بین اهالی روستا تقسیم می کنند.
ابیات ذیل که اهالی [بخشی از لرستان] آن را در مواقع تنهایی و دلتنگی زمزمه می کنند نیز اشاره ای به تمنای باران و اهمیت آن در زندگی مردم دارد.

یکونه چی مُلکه دِ مه وفا نداره مه چنی دعا کنم بارو بواره

(Yakona ci molke dema vafa nadara Me cane doa kenem baro bavara)

«داشتن پسر یکی یک دانه همانند زمین دیم است که وفا ندارد، من چقدر دعا کنم که باران ببارد.»

گنمیا د زیر خاکن دِ تشنه ای هلاکن

(Ganemyade zire xaken de teshnei helaken)

«گندم ها زیر خاک هستند و از تشنگی هلاک می شوند.» (از بین می روند).

از جمله کارهایی که در خرم آباد به نیت باران خواهی انجام می دهند این است که: یک لاک پشت را از زمینهای دیم پیدا کرده آن را به پشت می خوابانند تا خداوند از آسمان بر زمین، باران نازل کند.
در روستاهای خرم آباد زمان [هنگام] تمنای باران از خدا، چند مرد، مشک های آب را به دوش انداخته، دور آبادی می گردند و آب مشکها را به روی یکدیگر می پاشند و همدیگر را خیس می کنند و همزمان بیت ذیل را می خوانند:⁸

هل هل هلونکه یا خدا بده بارونکه

(Hal hal halonake ya xodo bede baronake)

اهالی مناطق نور آباد دلفان، کوهدشت، ویسیان و معمولان، باران خواهی را با اعمال زیر از خدا طلب می کنند.

الف) گا روا «ربودن گاوها» [گاو ربایی]

زنان یک روستا گاوهای روستای مجاور خود را می ربایند که این کار منجر به درگیری میان زنان هر دو آبادی می شد. [آنها] معتقدند خداوند با دیدن این وضعیت به رحم آمده و باران را بر آنان فرو می فرستد.⁹
ب) آو فروشی «آب فروشی»

چند زن به نیت آمدن باران کُنیلک (مَشک کوچک آب) را زیر بغل گرفته به در خانه ی اهالی و همسایگان می رفتند و به آنها آب می فروختند. همسایگان در عوض آب به آنها قند، چای، روغن حیوانی، آرد، گندم و... می دادند. زنان آنچه را که از راه فروش آب به دست می آوردند به نیت بارش باران به افراد مستحق و فقیر می دادند.

علاوه بر موارد مذکور کارهای دیگری به نشانه ی تمنای بارش باران و فراوانی آب انجام می دادند. از جمله: الف) نذر و قربانی احشامی چون گوسفند، بز و... ب) بازی دال پلو ج) گرفتن فال چل سرو د) چکه چکه و...

در پایان، برخی از ابیات [چند بیت رایج دیگر را در میان] مردم لرستان، که نشانه ای از باران خواهی و قرب و عزت آب در فرهنگ مردم این دیار است، بیان می کنیم.

وارون با وار ترم که گرونی نکه لرم که
(Varon bavar tarem ke geroni nake laremka)

«باران ببار مرا خیس کن نکند گرانی (قحطی) مرا لاغر کند.»

وارون باوار مه حدرم تکه بایژ آر پشت مزرم
(Varon bavar me hedarem teke bayz ar pest mezarem)

«باران ببار من حیدر (سید) هستم، قطره ای آب بر پشت معجر (سر بند) من بینداز.»

خدا خدا م بی وارون با وارو سزه کور و کول آو اجو بارو
(Xoda xodam bi varon ba varo Soze kor va kol aow e jo baru)

«خدا خدا کردم که باران ببارد تا دختر سبزه روی پسر به گرده [به دوش] آب از جو بیاورد.» (شاه کرمی، 1385، 14-15).

نتیجه گیری:

یادداشت ها:

1- برای اطلاع از ماهیت و فلسفه ی پیدایش این سنت دیرینه، رک: آب، ارزش کارکرد و نمادهای آن، 35-28 و نیز: جشن های آب، 162 - 156.

2- ظاهرا به نظر می آید که این آیین، نوعی جادوی تقلیدی است، که به واسطه ی آن از طبیعت، طلب باران فراوان می کرده اند. در این باره رک: جشن های آب، 50.

3- در این رابطه رک: ارزش، کارکرد و نمادهای آب، 65-39.

4- سنایی در این رابطه می گوید:

آتش به تن و جان جهانی زده و آنگه
چون آب، نبینش به یک جای قراری
(سنایی، دیوان، 631)

5- این مثل در ادبیات فارسی مشهور است. خاقانی می گوید:

هان و هان! تا ز خری دم نخوری
ور خوری، این مثلش گوی نخست
که: خری را به عروسی خواندند
خر بخنید و شد از قهقه سست
گفت: من رقص ندانم به سزا
مطربی نیز ندانم به درست
بحر حمالی، خوانند مرا
کآب نیکو کشم و هیزم چست
(خاقانی، دیوان، 1128)

و نظامی نیز گوید:

خران را کسی در عروسی نخواند
مگر وقت آن کآب و هیزم نماند

(نظامی، شرف نامه، 208. نیز رک: امثال و حکم دهخدا، 730).

6- به نظر می آید که این باور، مرتبط با اعتقادات کهن ایرانیان، درباره ی ایزد بانوی آب های روان (آناهیتا) است. در آبان یشت، آناهیتا سوار بر گردونه ای است که اسبانی تیزرو آن را به پیش می کشند (رک: آبان یشت، بند 201 و 101) در افسانه های کهن سرزمین چین نیز، ایزد بانوی آبها، سوار بر گردونه

ای است که ماهیان آن را به پیش می کشند . در این باره رک: آیین ها و افسانه های ایران و چین باستان، 109 – 110.

7- برای اطلاع بیشتر از این آیین که در بسیاری دیگر از مناطق ایران نیز رایج است، بنگرید به : کوسه، گشنیز و عروسکهای باران، از کتاب جشن های آب، 204 – 207.

8- آیین، آب پاشیدن به روی یکدیگر که در باورهای ایرانیان قدیم، تحت عنوان (جشن آب پاشان) مشهور است و روشی برای طلب باران به حساب می آید، آیینی است بسیار کهن که از ایران برخاست، اما دیری نگذشت که این آیین در بین تمام مردم متمدن جهان باستان رواج پیدا کرد. درباره ی نقش، اهمیت و حوزه ی گسترش این باور آیینی رک: جشن های آب، 167 – 151 و نیز: آب، ارزش کارکرد و نمادهای آن، 35-28.

9- درباره ی این آیین، پیش از این به شکلی مفصل تر، در بحث «گاماس، الهه ی آب و کشاورزی»، سخن به میان آمد.

Archive of SID

منابع:

- 1- اسدیان خرم آبادی، محمد، و دیگران، باورها و دانسته ها در لرستان و ایلام، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، 1358 ش.
- 2- پورداوود، ابراهیم، (مترجم)، یشتها، تهران، دانشگاه تهران، 1356 ش.
- 3- خاقانی شروانی، افضل الدین، دیوان، ویراسته ی جلال الدین کزازی، تهران، مرکز، چاپ اول، 1375 ش.
- 4- دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، 1363 ش.
- 5- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، 1377 ش.
- 6- راولینسون، هنری، سفرنامه ی راولینسون، ترجمه ی سکندر امان اللهی بهاروند، تهران، آگاهی، چاپ اول، 1362 ش.
- 7- رضی، هاشم، جشن های آب، تهران، بهجت، چاپ اول، 1383 ش.
- 8- رضی، هاشم، گاه شماری و جشن های ایران باستان، تهران، بهجت، چاپ سوم، 1380 ش.
- 9- سپه وندی، مسعود، ارزش، کارکرد و نمادهای آب، نشر دانشگاه آزاد اسلامی، 1389 ش.
- 10- سگوند، اردشیر، گاماس در ایران باستان، مجله ی کیهان فرهنگی، سال هجدم، ش 178. مرداد 1380 ش.
- 11- سنایی غزنوی، محدود ابن آدم، دیوان، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران، سنایی، چاپ چهارم بی تا.
- 12- شاه کرمی، عزت اله، نقش آب در فرهنگ و باور مردم لرستان، هفته نامه بامداد لرستان، سال دهم، ش 325، 326، 327.

- 13- قرشی، امان الله، آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی، تهران، هرمس، چاپ اول، 1380 ش.
- 14- کریستن سن، آرتور، کیانیان، ترجمه ی ذبیح الله صفا، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، 1368 ش.
- 15- کویاجی، ج.ک، آیین ها و افسانه های ایران و چین باستان، ترجمه ی جلیل دوستخواه، تهران، کتاب های جیبی، چاپ دوم، 1362 ش.
- 16 - مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه ی علی نقی منزوی، بی نا، چاپ اول، 1361 ش.
- 17 - نظامی گنجه ای، الیاس بن یوسف، شرف نامه، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره، چاپ اول، 1376 ش.

Archive of SID